



## پدیده‌های زیست‌محیطی در پوستره‌های هنرمندان ایران و انگلیس با هدف احقاق حقوق بشر

مجید خسروی<sup>۱</sup>، امیرعباس بزرگمهر<sup>۲</sup> , امیرحمزه سالارزایی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه عدالت، تهران، ایران، khosravi124@gmail.com

<sup>۲</sup> (نویسنده مسئول) دانشیار گروه حقوق خصوصی، دانشگاه عدالت، تهران، ایران، amirabassb145@gmail.com

<sup>۳</sup> استاد گروه حقوق خصوصی، دانشگاه عدالت، تهران، ایران، amir\_hsalr@theo.usb.ac.ir

### چکیده

امروزه آلودگی هوا به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های بشریت تبدیل شده است. صنعتی‌شدن و به‌دنبال آن تولید گازهای گل‌خانه‌ای آلودگی هوا را در پی داشته که در این میان دولت‌ها به‌عنوان اصلی‌ترین کنش‌گر این مخاطره محسوب می‌شوند. این آلودگی به‌نوبه خود باعث بروز زیان به سلامتی اشخاص و محیط‌زیست شده است؛ از این‌رو، تحلیل مسئولیت مدنی ناشی از آلوده‌سازی هوا در حقوق داخلی و بین‌الملل موضوع حائز اهمیت است. در حقوق ایران قواعد عام حاکم بر مسئولیت مدنی ناظر به اشخاص حقیقی و حقوقی حقوق خصوصی است و اصولاً اشخاص حقوقی حقوق عمومی که وظیفه اعمال حاکمیتی دارند از این قواعد خروج حکمی دارند. اما در حقوق انگلیس، دولت در کلیه زیان‌های وارده حتی ناشی از اعمال حاکمیت خود در قبال عموم پاسخگو است؛ این موضوع قبل از خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا و در قالب قوانین مصوب شورای اروپا در عرصه داخلی ضمانت اجرای فراملی داشت که با خروج این کشور از اتحادیه اروپا صرفاً متکی به قوانین داخلی گردید. مسئله اصلی در این پژوهش بررسی امکان جبران خسارات ناشی از آلوده‌سازی هوا توسط دولت‌ها و مبنای نظری آن به‌واسطه اعمال حاکمیتی آن‌هاست. این موضوع به‌عنوان امری بدیهی در نظام حقوقی انگلیس در مورد اعمال تصدی‌گرایانه و حاکمیتی پذیرفته شده است، اما حقوق ایران میان جبران خسارات ناشی از اعمال تصدی‌گرایانه و حاکمیتی تمایز قائل شده و صرفاً در مورد نخست حکم به جبران مورد پذیرش قرار می‌گیرد.

### اهداف پژوهش:

۱. بررسی پدیده‌های زیست‌محیطی در حقوق ایران و انگلیس و رویکرد حکومت‌ها نسبت به آن.
۲. بررسی پدیده‌های زیست‌محیطی در پوستره‌های هنرمندان ایران و انگلیس.

### سوالات پژوهش:

۱. رویکرد حکومت‌ها نسبت به آن آلودگی هوا در ایران و انگلیس چگونه است؟
۲. پدیده‌های زیست‌محیطی در پوستره‌های هنرمندان ایران و انگلیس چگونه منعکس شده است؟

### اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۹

دوره ۲۰

صفحه ۲۵۵ الی ۲۷۴

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۹/۰۵/۰۴

تاریخ داوری: ۱۳۹۹/۰۷/۱۲

تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۲۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۳/۰۱

### کلمات کلیدی

مسئولیت مدنی، آلوده‌سازی هوا، اعمال تصدی‌گرایانه. پدیده‌های زیست‌محیطی.

### ارجاع به این مقاله

خسروی، مجید، بزرگمهر، امیرعباس، سالارزایی، امیر حمزه. (۱۴۰۲). پدیده‌های زیست‌محیطی در پوستره‌های هنرمندان ایران و انگلیس با هدف احقاق حقوق بشر. مطالعات هنر اسلامی، ۲۰(۴۹)، ۲۷۴-۲۵۵.



[dori.net/dor/20.1001.1.1735708.1402.20.49.20.9](https://doi.org/10.22034/IAS.1735708.1402.20.49.20.9)



[dx.doi.org/10.22034/IAS.1735708.1402.20.49.20.9](https://dx.doi.org/10.22034/IAS.1735708.1402.20.49.20.9)

## مقدمه

یکی از بارزترین وجوه و مصادیق حقوق بشر و حقوق محیط‌زیست امروزه مسئله حق بر هوای پاک است که در حقوق بین‌الملل مطرح شده و دولت‌ها را بیش از پیش به همکاری‌های بین‌المللی فرامی‌خواند. نخست به این دلیل که پدیده‌های زیست‌محیطی ماهیتی فراملی داشته و اثرات سوء ناشی از فعالیت‌های انسان، تغییراتی را با دامنه و عمق گوناگون در محیط‌زیست پدید می‌آورد؛ دوم آن که گسترش بی‌سابقه تعامل دولت‌ها و ملت‌ها با یکدیگر در زمینه‌های گوناگون و فرایند جهانی شدن، موجب شده است تا دامنه موضوعات تصمیمات بین‌المللی وارد قلمروی داخلی دولت‌ها شود. هدف و غایت این قواعد، تنظیم مستقیم روابط بین دولت‌ها (تابعان حقوق بین‌الملل) نیست، بلکه هدف، پیوند این تلاش‌ها و ایجاد همکاری میان آن‌ها به منظور بهبود سرنوشت و زندگی بشریت است (امیرارجمند، ۱۳۷۳: ۴۱۴).

نظام حقوقی حاکم بر حفاظت از هوای پاک با استفاده از آموزه‌های حقوق بین‌الملل تحلیل می‌گردد. این حوزه را باید امروزه حقوق بین‌الملل حفاظت از هوا نامید. به باور حقوقدانان، این حوزه را در چارچوب قواعد ملی نیز می‌توان تحلیل کرد. توسعه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، دولت‌ها را مکلف به حمایت و حفاظت از محیط‌زیست به‌ویژه هوای پاک کرده است؛ امری که بسی فراتر از حقوق بین‌المللی سنتی - یعنی تعهد وارد نکردن خسارت به محیط‌زیست دیگر کشورها یا جبران خسارت - است (مشهدی، ۱۳۹۰: ۵۹). در حفاظت برابر آلوده‌سازی هوا آن‌چنان مهم و ضروری است که قالب مسئولیت بین‌المللی سنتی مبتنی بر تقصیر را متزلزل ساخته و مسئولیت مطلق را جایگزین آن در رویه قضائی، داوری بین‌المللی و قوانین داخلی کرده است. در پرتو نظریه مسئولیت عینی یا محض، محاکم قضائی و داوری نیازی به اثبات رکن تقصیر در مسئولیت مدنی ندارند، بلکه صرف احراز رابطه سببیت کافی است و بر این اساس، مسئولیت بین‌المللی را می‌توان در عرصه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست تکلیفی دانست که به یکی از تابعان آن نظام تحمیل می‌شود تا خسارات وارده به آن را جبران کند. با وجود این، اگرچه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست توانسته تحولی اساسی در مبانی مسئولیت بین‌المللی ایجاد کند و جایگاهی ویژه در عرصه رو به رشد مسئولیت مدنی بین‌المللی به خود اختصاص دهد، ولی هنوز از سازوکار اجرایی مؤثری برخوردار نیست. در این خصوص، تلاش‌های زیادی از رهگذر راه‌اندازی صندوق‌های جبران خسارت، تضمین‌ها، بیمه‌های اجباری و تغییر مبنای ایجاد مسئولیت صورت گرفته است (زمانی، ۱۳۸۱: ۵۸-۵۶).

اما در این زمینه، ضمانت اجرای رعایت حق بر هوای پاک و مسئولیت شخصیت‌های حقوقی حقوق عمومی، موضوعی چالش‌برانگیز است. تأثیر این موضوع زیست‌محیطی در قوانین و سیاست‌های کلی کشورهای مختلف جهان مورد لحاظ قرار گرفته است. کنوانسیون تغییرات آب و هوایی ۱۹۹۲، پروتکل کیوتو ۱۹۹۷، کنوانسیون وین برای محافظت از لایه ازن ۱۹۸۵ و پروتکل مونترال که الحاقی آن در سال ۱۹۸۷ بود و بسیاری از کنوانسیون‌ها و پروتکل‌ها که دولت‌ها را تکلیف به تدوین و تنظیم قوانین در عرصه داخلی در راستای نظارت و کنترل آلودگی هوا با تصویب قوانین و قرار دادن ضمانت اجراهای مدنی نموده است.

در انگلستان قانون هوای پاک در سال ۱۹۶۷ با محوریت کنترل منابع آلوده‌کننده محیط زیست به تصویب رسیده است. در این قانون که چندین مرحله در سال‌های ۱۹۷۰، ۱۹۷۷ و ۱۹۹۰ اصلاح شده، نه تنها دولت در بسیاری از موارد مکلف به مراقبت و حفاظت از محیط‌زیست با تدوین برنامه بوده، بلکه بار اصلی مسئولیت مدنی را بر دوش این نهاد قرار داده است. قوانین مشابه دیگری نیز در این کشور تصویب شده که از جمله آن‌ها می‌توان به قانون ترافیک جاده‌ای، قانون مدیریت محلی کیفیت هوا اشاره کرد که تخطی از قوانین و نظام‌نامه‌های موجود را مشمول جبران خسارت از سوی ناقضان آن دانسته است.

در ایران نیز در راستای تلاش‌های بین‌المللی در جهت حفاظت از هوای پاک و پیشگیری از آلودگی هوا، قوانین متناسبی تصویب شده است. قانون اساسی ایران به‌عنوان قانون مادر، این موضوع را در اصل پنجاهم به‌صراحت با این بیان مورد حمایت قرار داده است: «در جمهوری اسلامی حفاظت محیط‌زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این‌رو، فعالیت‌های اقتصادی و غیر آنکه با آلودگی محیط‌زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند ممنوع است». در این میان قوانین عادی همچون قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست،<sup>۱</sup> قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا<sup>۲</sup> ضمن مکلف نمودن کلیه اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی به رعایت اصول حاکم جهت جلوگیری از آلودگی هوا، مسئولیت مدنی ناشی از عدم رعایت آن را در تبصره ۱ ماده ۲۹ این قانون پیش‌بینی کرده است. هدف اصلی مسئولیت مدنی، احقاق حق و جبران خسارات وارده بر زیان دیده می‌باشد و اهداف دیگر از جمله تنبیه زیان‌زننده یا بازدارندگی دیگران نقش فرعی و تبعی دارد (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۳۹): در این میان، تفاوتی میان مسئولیت مدنی اشخاص حقیقی و حقوقی نیست؛ سؤالات اصلی پژوهش حاضر این است که آیا اولاً امکان تحقق مسئولیت مدنی برای اعمال زیانبار دولت‌ها - چه در قالب اعمال حاکمیتی و چه تصدی‌گرایانه - وجود دارد یا خیر؟ و ثانیاً به فرض امکان جواز تحقق مسئولیت مدنی در این خصوص، مبنای مسئولیت آن‌ها چیست؟ مضامین زیست‌محیطی چه بازتابی در پوستره‌های هنرمندان ایران و انگلیس داشته است؟

## ۱. مفاهیم بنیادین

### ۱.۱. آلودگی هوا

در حقوق ایران قبل از تصویب آیین‌نامه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۵۴/۴/۲۶ تعریف صریح و روشنی از آلودگی هوا وجود نداشت. با این حال در مواد ۶ و ۹ قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست مصوب ۱۳۵۳ اشاره به آلودگی هوا شده بود. این موضوع بویژه باتوجه به مفهوم مخالف صدر ماده ۹ همان قانون که به تعریف آلودگی محیط زیست پرداخته بود، امکان تسری آن به تعریف آلودگی هوا نیز وجود داشت. همچنین بند ۲ ماده ۱ آئین‌نامه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۵۴ نخستین تعریف از آلودگی هوا را ارائه نمود که به‌نظر می‌رسد از عبارات ماده ۹ قانون

۱- مصوب ۱۳۵۳/۳/۲۸ و اصلاحی ۱۳۷۱/۸/۲۴

۲- مصوب ۱۳۷۴

حفاظت و بهسازی محیط زیست اقتباس شده باشد. مطابق این ماده آلودگی هوا عبارت است از: «وجود یک یا چند آلوده کننده در هوای آزاد به مقدار و مدتی که کیفیت آن را به طوری که مضر به حال انسان و یا سایر موجودات زنده یا گیاهان و یا آثار و ابنیه باشد تغییر دهد.»

با تصویب قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴/۲/۳ آلودگی هوا با دقت بیشتری تعریف و مصادیق آن توسعه یافت. مطابق ماده ۲ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا؛ منظور از آلودگی هوا عبارت است از: «وجود و پخش یک یا چند آلوده کننده اعم از جامد، مایع، گاز، تشعشع پرتوزا و غیر پرتوزا در هوای آزاد به مقدار و مدتی که کیفیت آن را، به طوری که زیان آور برای انسان و یا سایر موجودات زنده و یا گیاهان و یا آثار ابنیه باشد- تغییر دهد.»

شورای اروپا نیز آلودگی هوا را در گزارش مورخ ۱۴ سپتامبر ۱۹۶۷م. خود، این گونه تعریف کرده است: «آلودگی زمانی است که در هوا یک ماده خارجی وجود داشته باشد یا در ساختار آن تغییری که باتوجه به شناخت‌های علمی زمان، موجب اثری زیان آور شود یا ایجاد ناراحتی کند» (شون، ۱۳۶۲: ۳۲). تعریف انجمن مشترک مهندسين آلودگی هوا نیز به عنوان مرجعی رسمی حائز اعتنا و اتکاست تا بدان جا که آن را وجود یک یا چند آلوده کننده مانند گردوغبار، فیومها، گازها، میست‌ها، بو، دود و بخارات در هوای آزاد با کمیت‌ها، ویژگی‌ها و زمان مند بودن که برای زندگی انسان، گیاه یا زندگی حیوانات، خطرناک، و برای اموال مضر باشند و یا به طور غیرقابل قبولی مخل استفاده راحت از زندگی و اموال گردند (غیاث‌الدین، ۱۳۷۳: ۴). به نظر می‌رسد، جامع و مانع‌ترین تعریف از آلودگی هوا عبارت است از: هرگونه تغییر در ویژگی‌های اجزاء متشکل، به طوری که استفاده پیشین از آن‌ها ناممکن گردد، و به طور مستقیم یا غیرمستقیم منافع و حیات موجودات زنده را به مخاطره اندازد (دبیری، ۱۳۹۹: ۱۶-۱۱).

## ۱/۲. مسئولیت مدنی دولت‌ها

اصل این مطلب که اصولاً هیچ ضرری نباید جبران نشده باقی بماند، امری مسلم و موردقبول تمامی نظام‌های حقوقی است؛ هرچند در سعه و ضیق آن اختلافاتی به چشم می‌خورد (بابایی، ۱۳۸۴: ۴۵-۸۲). لکن هنوز در این عرصه، تقصیر از مهم‌ترین مبانی مسئولیت به شمار می‌رود و در هر نوع آن ممکن است مرتکب، عمداً یا به طور غیرعمدی سبب ورود خسارت شود؛ هرچند که نظام‌های حقوقی به سوی کثرت‌گرایی پیش می‌روند (صفایی، ۱۳۹۷: ۲۱).

قائل شدن به مسئولیت محض بالاخص مسئولیت دولت‌ها در مواردی که اثبات تقصیر یا قصد اضرار و سوء استفاده واردکننده زیان امری دشوار باشد با توجه به این که یکی از وظایف ذاتی دولت‌ها جلوگیری از آلوده‌سازی هوا جهت تامین حفظ حقوق عموم بر هوای پاک می‌باشد، می‌تواند به جبران آسان‌تر خسارت وارده کمک نماید. بر این اساس، ابتدا به بررسی امکان قائل شدن مسئولیت مدنی برای دولت و سپس به کاوش در مبنای این مسئولیت خواهیم پرداخت.

## ۲. ماهیت حقوقی و مبانی نظری مسئولیت مدنی دولت‌ها در حقوق ایران و انگلیس

در حقوق ایران در برخی موارد دولت مسئول جبران خساراتی است که در نتیجه تصمیمات و اقدامات کارکنان آن به وجود آمده است (م ۱۱۱ ق.م.م.). اما این نوع مسئولیت، مسئولیت غیرمستقیم است و باید دید در مواردی که دولت مستقیماً با اتخاذ تصمیمات در اجرای قوانین موجود، موجب آلوده‌سازی هوا می‌گردد، مبنای تکلیف به جبران خسارت چیست؟ مبانی نظری این مسئولیت ذیلاً مورد بررسی قرار می‌گیرد. به‌طور کلی در انگلستان می‌توان انواع مسئولیت‌های مدنی را به سه دسته تقسیم کرد (JohnCooke Law of Tort, pp): مسئولیت ناشی از بی‌احتیاطی»، «مسئولیت ناشی از عمد» و «مسئولیت بدون تقصیر». بی‌احتیاطی و مسئولیت ناشی از آن مهم‌ترین حوزه مسئولیت مدنی انگلستان بوده و برای تحقق آن وجود سه شرط ضرورت دارد وجود تکلیفی برای رعایت «احتیاط و مراقبت»، «نقض تکلیف مذکور» و «ورود خسارت». در مسئولیت ناشی از عمد و بدون تقصیر نیز، به ترتیب، «قصد (عمد) واردکننده زیان» و صرف ارتکاب عمل زیان‌بار اهمیت دارد. با این وجود، بعضی حوزه‌های مسئولیت مدنی را نمی‌توان زیرمجموعه واقعی هیچ یک از سه دسته فوق قرار داد. مثلاً مسئولیت مدنی ناشی از عیب کالاها را می‌توان تلفیقی از مسئولیت‌های بدون تقصیر و مسئولیت‌های ناشی از بی‌احتیاطی دانست<sup>۳</sup> یا برای مثال در حقوق انگلستان خسارات ناشی از سوانح و تصادفات رانندگی را زیرمجموعه مسئولیت‌های ناشی از بی‌احتیاطی در نظر می‌گیرند. حال آنکه سازگاری قواعد حاکم بر آن با مسئولیت‌های بدون تقصیر بیشتر است. اما قواعد کلی مسئولیت مدنی ایران را باید در دو دسته کلی، «مسئولیت مبتنی بر تقصیر» و «مسئولیت بدون تقصیر» مطرح نمود. ماده ۱۱۱ ق.م.م مبنای اصلی مسئولیت‌های مبتنی بر تقصیر را شکل می‌دهد و قاعده اتلاف نیز بیانگر کلیت مسئولیت بدون تقصیر است.

البته شاید در ظاهر امر بتوان دو دسته مسئولیت‌های ناشی از بی‌احتیاطی و مسئولیت‌های ناشی از عمد (در حقوق انگلستان را در یک گروه مسئولیت‌های مبتنی بر تقصیر قرار داد، اما برای سهولت و دقت بیشتر در بررسی و تحلیل موضوعات، چنین تقسیم‌بندی در حقوق انگلستان و آمریکا مد نظر قرار گرفته است. ویژگی مشترک هر سه دسته کلی مسئولیت آن است که همگی در جهت حمایت از منافع زیان دیده گام برمی‌دارند. با این وجود، تفاوت‌هایی کلی بین این دسته‌ها وجود دارد: برای مثال؛ مسئولیت‌های ناشی از بی‌احتیاطی، غیرمنسجم‌ترین حوزه حقوق مسئولیت مدنی آمریکا و انگلستان محسوب می‌شود؛ در حالی که مسئولیت ناشی از عمد، منسجم‌ترین حوزه بوده و مسئولیت بدون تقصیر نیز، حد وسط این دو می‌باشد (نه همچون بی‌احتیاطی غیرمنسجم است و نه همچون عمد، سازمان‌یافته و منسجم). همچنین مباحث مربوط به عملکرد متعارف و معقول اشخاص (یا شخص معقول و متعارف)، به‌عنوان الگویی برای رعایت احتیاط و مراقبت لازم و اجتناب از ورود زیان به غیر بیشتر در مسئولیت‌های ناشی از بی‌احتیاطی مطرح می‌گردد نه مسئولیت ناشی از عمد یا بدون تقصیر. با این وصف در مسئولیت‌های بدون تقصیر و ناشی از عمد نیز

۳. در مورد مسئولیت ناشی از کالاها (Product liability) باید گفت به دلیل تفاوت‌هایی که در نحوه ظهور این گونه مسئولیت در اروپا و آمریکا وجود داشته، قواعد حاکم نیز تا حدودی متفاوت از یکدیگرند:

Jane Stapleton, "Duty of Care Factors", py; Graham Stephenson, Sourcebook on Tortsp ۳۹۳; Lisa Schaffer, Torts for Paralegals, p 7; Carper, Forensic Engineering.p 130.

می‌توان ردپایی از معیار معقول و متعارف بودن را مشاهده کرد. همچنین در مسئولیت‌های بدون تقصیر بحث وجود تکلیف در رعایت احتیاط و مراقبت مطرح نمی‌شود؛ در حالی که در بی‌احتیاطی «تکلیف» امری است غیرقابل اغماض و در مسئولیت‌های عمدی هم به صورت ضمنی و تلویحی وجود دارد. از دیگر تفاوت‌های موجود آن است که مسئولیت ناشی از بی‌احتیاطی نه همچون مسئولیت‌های عمدی ذاتاً خطاست و نه همانند مسئولیت‌های بدون تقصیر، به دلیل مخاطره‌آمیز بودن، خطر با ریسک به وجود آمده، بلکه عملی است مشروع که صرفاً به دلیل بی‌دقتی و بی‌توجهی مرتکب، مسئولیت به بار آورده است؛ بنابراین در مسئولیت‌های ناشی از عمد و مسئولیت‌های بدون تقصیر، تکلیف یا سیاه است و یا سپید؛ در حالی که در بی‌احتیاطی تکلیف به رنگ خاکستری است و به قول کاردوزو، نیازمند بررسی فاکتورهای چندگانه‌ای چون منطق، عرف، سنن و جامعه‌شناسی. در نهایت باید گفت علی‌رغم تفاوت‌های ظاهری موجود بین دو نظام که از دیدگاه متفاوت آنان نسبت به واژه تقصیر نشأت می‌گیرد، قواعد عام مسئولیت مدنی دو کشور قابل انطباق بوده و برای رسیدن به هدفی مشابه می‌کوشند: «اجرای عدالت و جبران زیان ناروا». در ادامه به مبانی حقوقی و نظری مسئولیت دولت‌ها خواهیم پرداخت.

### ۳. نظریه تقصیر

بسیاری از حقوقدانان عامل توجیه‌کننده مسئولیت مدنی را تقصیر واردکننده زیان دانسته و از این‌رو تلاش کرده‌اند، لباس اخلاقی بر قامت مسئولیت مدنی بپوشانند و حقوق را هرچه بیشتر به اخلاق نزدیک کنند. در این دیدگاه، مسئولیت هنگامی به اثبات می‌رسد که زیان دیده رابطه سببیت میان زیان و تقصیر واردکننده زیان را به اثبات رساند. به همین خاطر، مفهوم تقصیر جایگاه ویژه‌ای در حوزه مسئولیت مدنی یافته و تعاریف فراوانی از آن ارائه شده است. نتیجه مهم این نظریه، عدم مسئولیت واردکننده زیان است؛ در صورتی که زیان دیده نتواند تقصیر واردکننده زیان را اثبات کند امری که موجب می‌شود در دنیای پیچیده کنونی، بسیاری از واردکنندگان زیان، از مسئولیت مبرا شوند و زیان‌دیدگان راهی برای جبران نیابند (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۲۹۰، ۳۰۱). براساس این نظریه، مسئولیت مدنی دولت در صورتی متصور است که در انجام عمل زیان‌بار و مرتکب تقصیری گردیده باشد که با توجه به دشواری اثبات رکن تقصیر در موضوع آلوده‌سازی هوا مخصوصاً در جایی که دولت مستقیماً موجب آلودگی می‌گردد، نظریه راهگشایی نباشد.

مسئولیت مبتنی بر تقصیر در حقوق ایران و انگلستان به عنوان اصل پذیرفته شده است (صفایی و همکاران: ۴۶). البته این اصل، در حقوق انگلستان برخلاف حقوق ایران، در قالب یک قاعده کلی نیامده و از بررسی موردی خطاهای مدنی مختلف قابل استخراج است. مسئولیت بدون تقصیر نیز در حقوق دو کشور به صورت استثنایی بر اصل مسئولیت مبتنی بر تقصیر مطرح شده است. می‌توان گفت علی‌رغم اینکه حقوق دو کشور، ریشه در دو نظام حقوقی مختلف یعنی کامن لا و سیویل لا دارد، شباهت قواعد کلی مسئولیت مدنی آن‌ها کم نیست و تنها در نحوه استخراج اصل مسئولیت مبتنی بر تقصیر و استثنای مسئولیت بدون تقصیر، تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود.

## ۴. نظریه خطر

این نظریه ریشه در مکاتب فکری چندی دارد که وجه مشترک همه آن‌ها انکار نگاه درون ذاتی به مسئولیت و انکار توجه به خصوصیات روانی و درونی واردکننده زیان است. بنابراین در خصوص مسئولیت‌های مدنی مبتنی بر نظریه خطر، نیازی به اثبات تقصیر عامل ورود زیان نیست. از همین‌رو، همین که شخصی اقدام به فعالیتی نماید که منجر به آلوده‌سازی و تخریب محیط‌زیست گردد، باید از عهده خسارات وارده برآید؛ اعم از اینکه تقصیر داشته یا نداشته باشد. به نظر می‌رسد این نظریه، نظریه‌ای مناسب برای جبران خسارت زیست‌محیطی در حوزه آلودگی هوا است. در واقع آلوده‌کننده هوا براساس این نظریه «مسئولیت محض» در برابر زیان وارده پیدا می‌کند؛ درحالی‌که این نظریه از لحاظ محدود نمودن فعالیت‌های اقتصادی و صنعتی و فعالیت‌های پرخطر مورد انتقاد واقع شده است (فهیمی، ۱۳۹۳: ۸۲).

در حقوق انگلستان و معمولاً بحث تکلیف مراقبت را محدود به مسئولیت مدنی و بی‌احتیاطی می‌نمایند. اگرچه گاهی در مسئولیت‌های قراردادی هم آن‌را به کار می‌گیرند، اما معنی خاص و دقیق آن اختصاص پیدا می‌کند به مباحث مربوط به بی‌احتیاطی و مسئولیت‌های ناشی از آن. وجود تکلیف مراقبت اولین مورد از موارد سه‌گانه‌ای است که باید برای اثبات دعوی بی‌احتیاطی ثابت گردد. کارکرد اصلی تکلیف مراقبت تحدید مرزهای مسئولیت ناشی از بی‌احتیاطی است. بنابراین اگر تکلیف برای رعایت احتیاط و مراقبت‌های لازم و متعارف وجود نداشته باشد، بی‌احتیاطی اشخاص مسئولیتی به بار نخواهد آورد. در کامن لا و علی‌الخصوص انگلستان هر شخص نسبت به تمامی افراد جامعه مکلف به رعایت احتیاط و مراقبت نیست و تنها نسبت به گروه خاصی چنین تکلیفی دارد. بدین معنا که هر شخص تنها در صورتی مکلف به رعایت احتیاط و مراقبت است که اولاً: قابلیت پیش‌بینی زیان وجود داشته باشد. ثانیاً: نوعی رابطه خاص بین خواهان و خواننده موجود بوده باشد؛ یعنی بین واردکننده زیان و زیان دیده، قرابت وجود داشته باشد. قرابت می‌تواند نزدیکی زمانی و مکانی خواهان و خواننده، نزدیکی سببی یا نسبی آن‌ها، روابط پیش‌قراردادی بین آنان یا هر نوع رابطه‌ای باشد که نوعی ارتباط و نزدیکی بین آنان ایجاد می‌کند. ثالثاً: ایجاد تکلیف احتیاط و مراقبت نیز عادلانه، منصفانه و متعارف بوده باشد. شرط سوم برای آن است که دست قاضی در صدور حکم باتوجه‌به شرایط عرفی و اجتماعی و مصالح قضایی باز باشد (امینی، ۱۳۹۹: ۲۷۲).

به نظر می‌رسد در حقوق ایران برخلاف انگلستان برای ایجاد تکلیف احتیاط و مراقبت لازم نیست شروطی در نظر گرفته شود. یعنی هر شخص را باید مکلف به رعایت احتیاط در برابر کل اجتماع شناخت و در این امر محدودیتی در نظر نگرفت. زیرا اولاً: قاعده‌لاضرر که مبنایی قابل توجه برای حقوق مسئولیت مدنی ایران محسوب می‌شود، چه از جهت مفاد حقوقی روایت و چه از جهت عمومیت و اطلاقی دارد که برای آن محدودیتی در نظر گرفته نشده است. ثانیاً: با توجه به ماده ۱ ق.م.م.دلیلی برای محدود نمودن تکالیف موجود دیده نمی‌شود. ثالثاً: تفسیر موسع از تکالیف موجود و مصرح در قوانین (حقوق مدنی) ایرادی ندارد.

## ۵. نظریه تضمین حق

برخلاف طرفداران نظریه تقصیر و نظریه خطر که تلاش می‌کردند مبنای مسئولیت مدنی را در فاعل یا فعل واردکننده زیان جست‌وجو کنند، پیروان این نظریه مبنای مسئولیت را در ناحیه زیان دیده می‌یابند (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۱۹۷). در این نظریه مبنای تقصیر با تعدیلی بنیادین پذیرفته شده است. بدین صورت که فرض بر این است که عامل ورود خسارت مقصر است، لیکن باید با ارائه ادله‌ای، خود را از زیر بار این مسئولیت برهاند (هیثم، ۲۰۰۴: ۱۱-۱۴). در واقع، منطق درونی نظریه فرض تقصیر، حکایت از جابه‌جایی مدعی و منکر دارد؛ یعنی در مقام اثبات تقصیر این زیان دیده از آلودگی یا مدعی نیست که باید تقصیر عامل را اثبات نماید، بلکه این عامل ورود زیان است که باید عدم تقصیر خود را اثبات و خود را از زیر بار مسئولیت برهاند. بر این اساس، در این نظریه فرض می‌شود که آلوده‌کننده هوا مقصر است، مگر اینکه با ارائه دلیل ثابت نماید که در ایجاد خسارت نقشی نداشته است. در این نظریه حفاظت از هوای پاک، اصل قرار گرفته است.

این نظریه که توسط استارک در فرانسه ارائه گردید؛ برخلاف طرفداران نظریه تقصیر و خطر، به جای جست‌وجوی مبنای مسئولیت مدنی در فاعل واردکننده زیان، به دنبال مبنای مسئولیت در زیان‌دیده است. تحلیل استارک تحت تأثیر مکتب اصالت فرد بیان گردیده است و بر مبنای دفاع از حق فردی است. این نظریه دیگران را موظف به تضمین احترام به امنیت، سلامتی، حیات و حقوق دیگران می‌نماید. بر اساس این تحلیل است که استارک در جدال میان آزادی و مسئولیت مدنی حق تقدم را به آزادی می‌دهد. لذا بر مبنای این نظریه می‌توان گفت که در راستای تضمین احترام به حق سلامتی، حق حیات و حق محیط‌زیست افراد، اگر شخصی به محیط‌زیست آسیب وارد نماید، مسئول جبران خسارت است حتی اگر از وی تقصیر سر نزده باشد. زمینه‌های این نظریه را می‌توان در فقه نیز یافت. برای نمونه یکی از فقها در راستای حمایت از حقوق و آزادی‌های کار حکم نموده است: «اگر از مغازه آهنگری شراره‌ای پرتاب شود و لباس عابر را بسوزاند، آهنگر مسئول نیست، زیرا لازمه حرفه آهنگری او پرتاب آتش است» (مرتضی قاسمزاده، ۱۳۸۳، ۲۱۷). بر این مبنا می‌توان اقوال بسیاری میان فقها یافت که حق نظم‌خواهی، حق سلامتی، حق حرفه و حق امنیت عابرن را به رسمیت شناخته است.

## ۶. نظریه کار نامتعارف

براساس این نظریه، فعلی سبب ایجاد مسئولیت برای جبران خسارات می‌گردد که نامتعارف و غیر عادی باشد. لذا اگر اقدامی متعارف انجام گیرد و در اثر این اقدام، خساراتی وارد آید، شخص تنها در صورت اثبات تقصیر محکوم به جبران غرامت می‌گردد. این نظریه، باتوجه‌به اینکه مشخص نیست منظور از کار متعارف چیست و معیار تشخیص آن کدام است، مورد انتقادات بسیاری قرار گرفته است. در واقع، این نظریه چیزی جز تکرار نظریه تقصیر نخواهد بود. در حقوق بین‌الملل این نظریه قرابت بسیاری با «نظریه خطا» دارد، که براساس آن مسئولیت در برابر انجام اعمالی تحقق می‌پذیرد



که در حقوق بین‌الملل منع گردیده است؛ اعمالی که می‌توان مصادیق آن‌ها را در مسئولیت بین‌المللی زیست‌محیطی تحت عنوان اعمال خطایی و در مقابل نظریه اعمال منع نشده در حقوق بین‌الملل یافت.<sup>۴</sup>

#### ۷. نظریه مسئولیت مستقیم دولت‌ها

دولت‌ها نیز مانند هر شخص حقوقی می‌بایست مسئولیت اعمال زیان‌بار خود را برعهده بگیرند. مسئولیت آلوده‌کنندگان هوا، نتیجه توسعه مفهوم مسئولیت مدنی در ورود زیان به حقوق عمومی است. این مسئولیت نه تنها در قوانین ملی تصریح شده بلکه دامنه بین‌المللی نیز یافته است و می‌توان گفت امروزه وسیع‌ترین حوزه مسئولیت که جنبه جهانی دارد، مسئولیت در قبال تخطی از قوانین ملی و بین‌المللی محیط‌زیست است. در حقیقت، موافقت‌نامه‌های زیست‌محیطی بین‌المللی و نحوه پایبندی کشورها به آن حاوی چنین مسئولیت جهانی است. قانون اساسی برحسب خصوصیت کلی بودن آن در اصل ۵۰؛ اقداماتی را که موجب آلودگی محیط‌زیست می‌شود، ممنوع کرده و حفاظت از محیط‌زیست را یک وظیفه عمومی دانسته است. اما سایر قوانین با ذکر جزئیات، میزان مسئولیت و نحوه تخلف از مقررات محیط‌زیست انسانی و طبیعی را بیان کرده‌اند. در حقوق بین‌الملل نیز اصل ۲۲ اعلامیه استکهلم،<sup>۵</sup> به‌طور کلی، دولت‌ها را مسئول جبران آلودگی و خسارات وارده نسبت به محیط زیست دانسته است. در این زمینه اصل دهم اعلامیه ریو<sup>۶</sup> قدم را فراتر نهاده و بیان می‌کند «در خصوص اقدامات زیست‌محیطی، دسترسی مؤثر به مراجع قضایی و اداری از جمله جبران خسارت باید تضمین گردد». اصل یازدهم این اعلامیه نیز دولت‌ها را تشویق به تصویب قوانین مناسب زیست‌محیطی در جهت حفاظت از طبیعت می‌کند. اصل سیزدهم این اعلامیه دولت‌ها را به تصویب قوانین داخلی در خصوص ایجاد مسئولیت ناشی از صدمات حاصل از تخریب محیط‌زیست تشویق می‌نماید گذشته از دو سند بین‌المللی فوق، برخی دیگر از مصوبات بین‌المللی یا منطقه‌ای نظیر ماده ۱۹۲ کنوانسیون حقوق دریاهای سازمان ملل متحد (مصوب ۱۹۸۲) و یا کنوانسیون آفریقایی راجع به حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی، دولت‌های عضو را مکلف به حمایت و حفاظت از محیط‌زیست می‌نماید.<sup>۷</sup> کنوانسیون مسئولیت مدنی خسارت وارده به محیط‌زیست در اثر

<sup>۴</sup>-Act Not Prohibited Under International Law

<sup>۵</sup>. United Nations Conference on the Human Environment (Stockholm, 1972) ('Stockholm Declaration').

<sup>۶</sup>. United Nations Conference on the Human Environment (Rio de Janeiro, 1972) ('Rio de Janeiro Declaration').

<sup>۷</sup>. از نظر سابقه تاریخی، خاطر نشان می‌سازد که در ماده ۱۹ از قسمت دوم کتاب سال ۱۹۸۰ کمیسیون حقوق بین‌الملل، نقض جدی تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در موارد مهم نظیر حفاظت و نگهداری از محیط‌زیست انسانی به‌عنوان یک جرم بین‌المللی شناخته شده بود. هرچند که این ماده به موجب مواد ۴۰ و ۴۱ کتاب سال ۲۰۰۱ همان کمیسیون نقض گردید (به‌گونه‌ای که در مورد نقض تعهدات بین‌المللی، اشاره‌ای به موضوعات زیست‌محیطی نشد) اما از نظر نگرش مثبت این کمیسیون نسبت به جرم‌انگاری تخلفات زیست‌محیطی، قابل توجه به‌نظر می‌رسد برای مطالعه بیشتر در این زمینه رجوع کنید به نشانی:

<http://untreaty.un.org/ilc/publications/yearbook>

فعالیت‌های زیان‌بار (مصوب ۱۹۹۳)<sup>۸</sup> همچنین در بند d ماده ۵ کنوانسیون چشم‌انداز اتحادیه اروپا (مصوب ۲۰۰۰)<sup>۹</sup>، به مقوله حفاظت از محیط‌زیست اشاره شده است.

#### ۸. نظریه مسئولیت غیرمستقیم دولت‌ها

دولت‌ها در راستای وظایف خود مستقیماً مقصر محسوب نمی‌شوند و باید بین خطا و تقصیر سازمان و خطا و تقصیر کارمندان آن، قائل به تفکیک شد. جبران خسارت با کسی است که واردکننده زیان است. این خود باعث مطرح شدن دو نظریه دیگر می‌شود. نظریه نخست، رعایت حدود متعارف وظایف است؛ یعنی خطای اداری توسط دولت تعریف و مشخص می‌شود؛ به عبارت دیگر، حدود اشتباه و تقصیرات قبلاً برای دستگاه دولتی معین شده، حال اگر اشتباه یا خطا از این حدود خارج شود، خود فرد مسئول است؛ اما اگر خطا در محدوده مشخص شده از ناحیه دولت باشد، دولت مسئولیت جبران خواهد داشت. نظریه دوم، عمل غیرمرتبط با وظایف است؛ یعنی ضابطه تفکیک خطای اداری از خطای شخصی را باید در اعمال غیرمرتبط با وظایف اداری جست‌وجو کرد. لذا درجایی که تشخیص بر خطای اداری باشد، دولت مسئول است و در مقابل اگر تشخیص بر شخصی بودن خطا باشد، مطابق با قواعد کلی مسئولیت عمل می‌شود و می‌باید به سراغ زیان‌زننده رفت.

#### ۹. شرایط مسئولیت مدنی دولت‌ها

در زمان حاضر به دلیل تنوع روابط دولت و ملت و تحول بنیادین آن، مسئولیت مدنی دولت یک اصل مسلم تلقی می‌شود و دولتمردان نمی‌توانند از پاسخ‌گویی در قبال اعمال زیان‌آورشان نسبت به شهروندان سرباز زنند. امروزه، سخن از گستره و ابعاد مسئولیت مدنی دولت و چگونگی آن است نه از اصل آن.

#### ۹/۱. شرایط تحقق مسئولیت دولت‌ها

نخستین مطلبی که بایستی بدان اشاره نمود، اینست که برای تحقق مسئولیت دولت لازم است بین زیان و امری که سبب وقوع آن شده است رابطه علیت و سببیت وجود داشته باشد؛ بنابراین در مواردی که زیان ناشی از فورس ماژور است، این رابطه وجود ندارد. دوم این‌که در سیستم مسئولیت بدون تقصیر، زیان وارده برای اینکه قابل ترمیم و پرداخت باشد، می‌باید اختصاصی و غیرعادی باشد؛ یعنی به شخصی خاص وارد شود و شامل عموم افراد نگردد و زیان غیرمعمولی و غیرمتعارف باشد. وجود دو صفت اختصاصی و غیرعادی بودن برای مسئولیت بدون تقصیر سبب می‌شود که افراد نتوانند در مورد اقدامات و عملیاتی که دولت برای تأمین منافع عمومی انجام می‌دهد، مطالبه غرامت کنند و از طرف

<sup>۸</sup>. *Convention on Civil Liability for Damage resulting from Activities Dangerous to the Environment (Council of Europe, 1993)*.

<sup>۹</sup>. *European Landscape Convention (2000)*.

دیگر حقوق حقه مردم نیز محفوظ و مصون بماند. در نهایت، زیان وارده باید مستقیم و مسلم باشد. زیان احتمالی، قابل جبران و ترمیم نیست.

در حقوق اداری اعمال و اقدامات دولت یا به لحاظ تصدی‌گری است که شامل امور خدماتی و فرهنگی می‌باشد و دولت متصدی امور می‌شود که می‌تواند حتی از طریق اشخاص حقوق خصوصی نیز اعمال شود و یا به لحاظ حاکمیتی است که دولت در آن حاکم و قدرت مطلق است و این اعمال نمی‌تواند توسط اشخاص اعمال شود. مسئولیت مدنی دولت به‌طور مطلق نمی‌باشد، بلکه این مسئولیت در مورد خساراتی است که ناشی از اعمال تصدی‌گری دولت است که در آن نشانی از قدرت سیاسی دولت دیده نمی‌شود؛ مثل خرید و فروش و ... که دولت آن‌ها را به‌عنوان این‌که دارای شخصیت حقوقی و مسئول حفظ دارایی و منافع و اموال عمومی است، انجام می‌دهد. در مورد اعمال تصدی‌گری، دولت مسئول خساراتی است که به افراد وارد می‌کند و در این قبیل اعمال، دلیلی بر سلب مسئولیت دولت وجود ندارد. اگرچه نظریه ذکر شده امروزه قابل انتقاد می‌باشد و نظریه مسئولیت مطلق دولت به جز مواردی که قانونگذار تصریح کرده است، مقبولیت بیشتری دارد؛ ولی، در مورد اعمال حاکمیتی، دولت مسئول خسارات وارده نمی‌باشد؛ همان‌طور که ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی اشعار می‌دارد: هرگاه اقداماتی برحسب ضرورت برای تأمین منافع اجتماعی طبق قانون به عمل آید و موجب ضرر دیگری شود، دولت مجبور به پرداخت خسارات نخواهد بود. قانونگذار ما نظریه عدم مسئولیت دولت در اقدامات حاکمیتی را پذیرفته است؛ در واقع، در این مرحله بحث تعارض منافع عمومی با منافع خصوصی افراد است که در بیشتر موارد، منافع خصوصی افراد، به‌علت اهمیت منافع عمومی نادیده گرفته می‌شود، طبق قانون لایحه مدیریت خدمات کشوری، امور کشوری منحصر در اعمال حاکمیتی و خدماتی و فرهنگی و زیربنایی می‌باشد. اصولاً مسئولیت مدنی، مبتنی بر تقصیر است و تقصیر دولت نیز در مورد اعمال تصدی‌گری که موجب خسارات شده باید اثبات شود.

## ۹/۲. ارکان تحقق مسئولیت مدنی دولت‌ها

ارکان تحقق مسئولیت مدنی در تمام موارد ایراد خسارات مشترکند که این موضوع در خصوص اشخاص حقوقی و حقیقی مشترک بوده و در قالب سه عنصر برای تحقق مسئولیت مدنی متبلور می‌شود.

۱. فعل زیان‌بار که در مورد دولت مراد از آن خطاهای اداری است که از ناحیه کارکنانی که مسئولیت آن‌ها را برعهده دارد، بر افراد وارد می‌شود. ۲. ضرر ۳. وجود رابطه سببیت بین ضرر با خطای اداری.

مطابق مقررات جاری، چنانچه برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی وزارت‌خانه‌ها یا مؤسسات و شرکت‌های دولتی یا وابسته به دولت و نیز شهرداری‌ها و بانک‌ها دانشگاه‌های دولتی به اراضی و ساختمان‌ها و تأسیسات و سایر حقوق مربوط به اراضی (مانند حق عبور حق مجری، حق استفاده از فضای یک ملک) اشخاص حقیقی یا حقوقی مثل شرکت‌های خصوصی نیاز داشته باشند و اعتبار آن قبلاً به وسیله سازمان و دستگاه دولتی مربوط یا از طریق سازمان برنامه و بودجه تأمین شده باشد، دستگاه دولتی مزبور می‌تواند ملک یا ساختمان مورد نیاز

خود را مستقیماً یا به‌وسیله هر سازمان خاص دیگری که مقتضی می‌داند بر طبق مقررات و شرایط مربوط خریداری یا تملک کند. باید توجه داشت که برنامه‌هایی بلید مد نظر دستگاه‌های اجرایی قرار گیرد که برای امور عمومی و امنیتی آن دستگاه لازم و ضروری باشد و این ضرورت باید به تأیید و تصویب بالاترین مقام اجرایی آن دستگاه برسد. مطابق ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی نیز، کارمندان دولت و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آن‌ها که به مناسبت انجام وظیفه عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی خساراتی به اشخاص وارد نمایند شخصاً مسئول جبران خسارت وارد می‌باشند، ولی هرگاه خسارات وارده مستند به عمل آنان نبوده و مربوط به نقص وسائل ادارات و مؤسسات مزبور باشد، در این صورت جبران خسارت برعهده اداره یا مؤسسه مربوطه است ولی در مورد اعمال حاکمیت دولت هر گاه اقداماتی که برحسب ضرورت برای تأمین منافع اجتماعی طبق قانون به عمل آید و موجب ضرر دیگری شود، دولت مجبور به پرداخت خسارات نخواهد بود.

در این خصوص، تئوری «مصونیت دولت از مسئولیت» حتی مصونیت مطلق دولت، طی سالیان متمادی تئوری غالب بوده و با همین رویکرد قواعدی وضع شده بود که دولت به‌طور مطلق یا در اعمال حاکمیت مطلقاً فاقد مسئولیت مدنی است. ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی ایران نیز متأثر از این اندیشه است. با این حال، بیشتر از چند دهه است که این تئوری جای خود را به تئوری‌های دیگری که اصل را بر مسئولیت تمام اشخاص از جمله دولت می‌گذارد، داده است و قوانین قریب به اتفاق کشورها بر این اساس، تغییر کرده است. در ایران نیز اندیشمندان حقوق با علم به این موضوع و نقشی که رویکرد جدید می‌تواند در توسعه و پیشرفت جامعه ایفا کند بر این نظرند که باید قواعد ناظر به مسئولیت مدنی دولت و مؤسسات عمومی اصلاح شود. بر این اساس، استدلال می‌شود که یکی از ضرورت‌های زندگی اجتماعی امروزه، مسئولیت بدون تقصیر دولت است، به‌گونه‌ای که این اصل را می‌توان یکی از آثار عمده حاکمیت قانون بر همگان و تساوی در مقابل قانون تلقی کرد.

جنبه‌های مسئولیت دولت غالباً در امور تصدی‌گری برقرار است از این رو سعی می‌شود با بیمه‌های مسئولیت و مکمل جبران شود اما در امور حاکمیتی، این جنبه در برخی قوانین همانند جبران خسارت در تملک املاک مردم وجود دارد. در برخی موارد همانند ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی بیان شده است که در مورد اعمال حاکمیت دولت هرگاه اقداماتی که برحسب ضرورت برای تأمین منافع اجتماعی طبق قانون به‌عمل آید و موجب ضرر دیگری شود، دولت مجبور به پرداخت خسارت نخواهد بود؛ اما امروزه این اهتمام وجود دارد که خسارتی بدون جبران باقی نماند، زیرا هزینه‌های اجتماعی عدم جبران به مراتب بالاتر از خسارت فردی است بنابراین به‌نظر می‌رسد که باید ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹/۲/۷ اصلاح شود.

مطالعه در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران و مبحث مسئولیت مدنی دولت مبین آن است که با وجود پیش‌بینی برخی موقعیت‌های خاص در قوانین مصوب، که مسئولیت دولت را منطبق با تئوری‌های تقصیر یا خطر پذیرفته، در بسیاری از موارد مواجه با اشکال یا خلأ قانونی است. پراکندگی قوانین، نگاه موردی به مسئولیت مدنی دولت،

عدم انسجام در مبانی مسئولیت که برخی بر مبنای نظریه تقصیر و برخی دیگر بر مبنای نظریه خطر استوار شده است همچنین فقدان راهکارهای اجرایی دقیق و عدم وحدت رویه در موارد مشابه مثل حدود مسئولیت ناشی از تقصیر قضاات و نیروهای مسلح و سایر کارکنان دولت، از مهم‌ترین ضعف‌ها و خلأهای قانونی راجع به نظام مسئولیت مدنی دولت است؛ بنابراین، بازنگری جامع در این زمینه و تدوین و تصویب قانون جامع تحت عنوان «مسئولیت مدنی دولت» امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. اما تا زمان تصویب چنین قانونی وظیفه قضاات دادگاه‌ها است که با استناد به اصول و قواعد حقوقی راجع به مسئولیت، حکم هر قضیه را صادر کنند.

### ۱۰. مسئولیت مدنی دولت‌ها در قوانین بین‌المللی، حقوق ایران و انگلستان

جدای از مبانی و قواعد حاکم بر مسئولیت مدنی دولت‌ها، بازتاب مسئولیت مدنی آن‌ها در قوانین بین‌المللی در راستای همکاری و تشریک مساعی جهانی به منظور حفاظت از زیست‌بشری و نیز حقوق ایران و انگلستان، امکان سنجی مسئولیت دولت‌ها، میزان این مسئولیت و قلمروی آن را مشخص کرده و ضمانت اجراهای مختلف در این حوزه را تبیین می‌کند.

#### ۱۰/۱. بررسی کنوانسیون‌ها، قطعنامه‌ها و اعلامیه‌های مربوط به آلودگی هوا

موضوع آلودگی هوا و تلاش برای پیشگیری و یا کنترل آن، مبنای برگزاری اجلاس و کنفرانس‌های متعددی در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای بوده است، مانند کنفرانس ۱۹۷۹ ژنو درباره آب و هوا، کنفرانس‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۸۵ اتریش مربوط به گرم شدن هوای جهان، کنفرانس ۱۹۸۸ کانادا درباره وضعیت کره زمین و کاهش دی‌اکسید کربن... دومین کنفرانس جهانی آب و هوا در سال ۱۹۹۰ در ژنو، بشر در شرایطی قدم به هزاره سوم می‌گذارد که با چالش‌های زیادی در زمینه محیط‌زیست روبه‌رو است. آهنگ ناموزون تخریب محیط‌زیست نگرانی جدی را به‌دنبال داشته است. ابعاد این بحران اقصی نقاط جهان را دربر گرفته و سبب دلهره‌ای ژرف برای حفظ نوع بشر شده است. شرایط کنونی ایجاب می‌کند که در تمام بخش‌های علمی و غیره اقدامات فوری صورت گیرد، زیرا حاکمیت و «سلطه انسان بر طبیعت» سبب مشکلاتی بعضاً جبران‌ناپذیر شده است. اگرچه بشر از ابتدا به اهمیت و احترام محیط‌زیست توجه داشته است، اما با پیشرفت علم و فناوری، طبیعت را مقهور خویش ساخته و با تغییری بنیادین در نگرش به محیط زیست، راه تسلط و بهره‌کشی روزافزون از طبیعت را هموار کرد. پس از انقلاب صنعتی و با بروز مشکلات و معضلاتی که معلول استفاده از تکنولوژی است، محیط‌زیست به‌طور گسترده‌ای مورد توجه واقع شد؛ تا آنجا که حفاظت و جلوگیری از آلودگی آن یکی از مهم‌ترین مسائل اواخر قرن بیستم به‌شمار می‌آید. بدین سان، یکی از بارزترین وجوه و مصادیق حقوق بشر و حقوق محیط‌زیست امروزه مسئله حق بشر بر هوای پاک است که در حقوق بین‌الملل مطرح شده و دولت‌ها را بیش از پیش به همکاری‌های بین‌المللی فرامی‌خواند. این پدیده دو دلیل دارد: نخست آنکه موضوعاتی همچون پدیده‌های زیست‌محیطی ماهیتی فراملی بوده و اثرات سوء ناشی از فعالیت‌های انسان، تغییراتی را با دامنه و عمق گوناگون در محیط‌زیست پدید می‌آورد؛ به‌گونه‌ای که اغلب بیش از یک دولت و گاه تمامی جهان درگیر آن می‌شوند. دوم آنکه گسترش بی‌سابقه تعامل دولت‌ها

و ملت‌ها با یکدیگر در زمینه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، گرایش به از میان بردن موانع گوناگون در حوزه‌های مختلف به ویژه اقتصاد و ایجاد موافقت‌نامه‌ها و سازمان‌های جهانی همچون سازمان تجارت جهانی در این حوزه، انقلاب اطلاعاتی ناشی از پیشرفت‌های بی‌سابقه فناوری ارتباطات و اطلاعات، تجارت الکترونیک، گسترش شرکت‌های چندملیتی و در یک کلام فرایند جهانی‌شدن، موجب شده است تا دامنه موضوعات تصمیمات بین‌المللی وارد قلمروی داخلی دولت‌ها شود.

اما فارغ از تلاش‌های بین‌المللی در این زمینه، ضمانت اجرای رعایت حق بشر بر هوای پاک و مسئولیت شخصیت‌های حقیقی و حقوقی موضوعی چالش برانگیز است. از طرفی مسئولیت ناشی از خسارات زیست‌محیطی فرامرزی که قواعد آن از جنبه ماهوی مرتبط با حقوق خصوصی است و به لحاظ شکلی، میان دولتی می‌باشد و در چارچوب کلی قواعد حقوق بین‌الملل مورد بررسی قرار می‌گیرد. از طرف دیگر، در سطح حقوق داخلی کشورها هر چند قوانین، مقررات و برنامه‌های متعددی در خصوص مقابله با آلودگی هوا به تصویب و اجرا رسیده، اما هنوز این معضل زیست‌محیطی مهار نشده و به نظر می‌رسد کنترل آن مستلزم مسئولیت جمعی دولت‌ها همراه با تدابیری با کیاست‌تر و بهره‌گیری از سازوکارهای حقوقی جدید و کارآمدتر به همراه مشارکت جمعی شهروندان است؛ تأثیر این موضوع زیست‌محیطی در قوانین و سیاست‌های کلی کشورهای مختلف جهان با توجه به دغدغه اصلی مورد لحاظ قرار گرفته است. تلاش‌ها در این حوزه را می‌توان با توجه به عزم جامعه جهانی برای حل این معضل دانست؛ کنوانسیون تغییرات آب و هوایی ۱۹۹۲، پروتکل کیوتو ۱۹۹۷، کنوانسیون وین برای محافظت از لایه ازن ۱۹۸۵ و پروتکل مونترال که الحاقی آن در سال ۱۹۸۷ بود و بسیاری از کنوانسیون‌ها و پروتکل‌ها که دولت‌ها را تکلیف به تدوین و تنظیم قوانین در عرصه داخلی در راستای نظارت و کنترل آلودگی هوا با تصویب قوانین و قرار دادن ضمانت اجراهای مدنی و کیفری کرده است.

#### ۱۰/۲. شناسایی مسئولیت مدنی دولت‌ها در گستره آلوده‌سازی هوا در حقوق ایران

علاوه بر اصل ۵۰ قانون اساسی قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا با ذکر منابع آلوده‌کننده و انواع آن، دستگاه‌های ذی‌ربط را موظف به مراعات معیارهای زیست‌محیطی کرده و تمامی فعل و انفعالاتی را که آلوده‌کننده باشند، تحت نظارت سازمان حفاظت محیط‌زیست درآورده و به این سازمان اجازه داده است از فعالیت‌های محل معیارهای تعیین شده با دستور قضایی ممانعت به عمل آورد. همچنین می‌توان به قانون تعیین ضوابط و معیارهای استقرار واحدها و فعالیت‌های صنعتی و تولیدی مورخ ۸ خرداد سال ۱۳۹۰ هیأت وزیران اشاره کرد که مراجع صادرکننده جواز تأسیس واحدها را مکلف به استعلام از ادارات کل حفاظت از محیط‌زیست استان محل احداث واحد موردنظر کرده است. اختصاص شهرک‌های صنعتی که برابر معیارهای قانونی و زیست‌محیطی ساخته می‌شوند، به منظور پیشگیری از تخلفات قانونی و به‌ویژه حفاظت از محیط‌زیست است و معمولاً فاصله‌ای معقول از کلانشهرهای در حال گسترش را در نظر می‌گیرند. میزان این فاصله را همچنین نوع فعالیت تولیدی و صنعتی تعیین می‌کند.

**۱۰/۳. شناسایی مسئولیت مدنی دولت‌ها در گستره آلوده‌سازی هوا در حقوق انگلیس**

در انگلستان در دهه‌های اخیر قانون هوای پاک به تصویب رسیده که با محوریت کنترل منابع آلوده‌کننده محیط‌زیست هدف‌گذاری شده است (قانون هوای پاک ۱۹۶۷) قانون مزبور در چندین مرحله در سال‌های ۱۹۷۰، ۱۹۷۷ و ۱۹۹۰ نیز اصلاح شده و نه‌تنها دولت را برای بسیاری از موارد تکلیف به مراقبت و حفاظت از محیط‌زیست با تدوین برنامه کرده بلکه بار مسئولیت مدنی را بر دوش این نهاد تحمیل کرده است. قوانین مشابه دیگری نیز در این کشور تصویب شده که از جمله آن‌ها می‌توان به قانون ترافیک جاده‌ای، قانون مدیریت محلی کیفیت هوا اشاره کرد که تخطی از قوانین و نظام‌نامه‌های موجود را مشمول جبران خسارت از سوی ناقضان آن و به تعبیری دیگر مسئولیت مدنی وی دانسته است (Harpwood, Vivienne (۲۰۰۹) Modern Tort Law, Seventh edition, London, Routledge.Covendish).

**۱۰/۴. ضمانت اجرای کنوانسیون‌ها در حقوق بین‌الملل**

برخلاف تصور برخی، کنوانسیون‌ها و اسناد الزام‌آور بین‌المللی بدون ضمانت اجرا نیستند. در واقع، این تصور که نظام بین‌المللی فاقد ضمانت اجرای مؤثر است، صحیح به‌نظر نمی‌رسد؛ لیکن می‌توان گفت نظام بین‌المللی از لحاظ ضمانت اجرای حقوقی دارای تحرک کم‌تر بوده و اغلب تصمیمات دولت - کشورها تابع ملاحظات سیاسی قرار می‌گیرد. به‌رغم این موضوع، ضمانت‌های حقوقی در نظام بین‌المللی از چند طریق قابل اعمال بوده و در یک دسته‌بندی کلی به ضمانت‌های پیش‌گیرانه و تعقیبی قابل تقسیم است (رامتین، ۱۳۸۰: ۶۵-۶۰).

**۱۰/۵. ضمانت اجرای اقتصادی**

این ضمانت اجرا می‌تواند به‌صورت‌های مختلف نظیر؛ تعلیق کمک‌های مالی، تعلیق در ارائه خدمات علمی و فنی، تحریم تجاری و ... از سوی سایر دولت‌های عضو کنوانسیون یا سند بین‌المللی لازم‌الاجراء اعمال شود.

**۱۰/۶. ضمانت اجرای انضباطی**

این ضمانت اجرا می‌تواند از حداقل درجه، یعنی تعلیق حق رأی یک کشور عضو کنوانسیون مربوطه، آغاز و تا شدیدترین آن یعنی اخراج از کنوانسیون پیش رود. این مورد هم در حقوق بین‌الملل مسبوق به سابقه است؛ به‌طوری‌که در سال ۱۹۸۹ زمانی که مجمع عمومی کنوانسیون سایتس به دلیل اقدام امارات متحده عربی در ورود غیرقانونی عاج فیل آفریقائی، اقدام به اخراج این کشور از کنوانسیون نمود، مجدداً بعد از درخواست دوباره این کشور و تعهد به رعایت دستورات کنوانسیون و جمع‌آوری انبارهای عاج غیرقانونی، موضوع عضویت مجدد این کشور به طور رسمی در اجلاس کیوتو (۱۹۹۲) اعلام شد. البته لازم به ذکر است مسئله اخراج از کنوانسیون، همیشه کارساز نیست؛ چراکه در این حالت دولت متخلف، دیگر خود را متعهد به اجرای مفاد مصوبه ندانسته و به‌عبارت ساده‌تر از قید و بند مصوبه آزاد می‌شود. بنابراین، این تصمیم باید زمانی اتخاذ شود که به هیچ وجه امید به همکاری دولت متخلف وجود نداشته باشد.

هرگاه دولت (شخص حقوقی) در مقام تصدی‌گری (نه اعمال حاکمیت) به فعالیت حقوقی بپردازد، ضمانت اجراهای شخص حقوقی، در خصوص دولت نیز قابل اجرا است.

### ۱۱. پدیده‌های زیست‌محیطی در پوستره‌های هنرمندان ایران و انگلیس

امروزه محیط‌زیست مسئله‌ای بس حیاتی در زندگی بشر است و توجه به حفظ و نگهداری آن مسئولیتی بسیار سنگین و مهم، برگردن یکایک افراد جامعه می‌نهد. امروزه هنر گرافیک تنها یک هنر نیست بلکه نقش رسانه‌ای به خود گرفته و به‌عنوان عامل رسانه‌ای عمل می‌کند. حال پوستره به‌عنوان یکی از سریع‌ترین عامل‌ها برای اطلاع‌رسانی و فرهنگ‌سازی می‌تواند مسئله محیط‌زیست را به‌خوبی به افراد جامعه معرفی نماید.



تصویر ۱. دوستی با محیط زیست. منبع: <http://dbmz.blogfa.com/tag>

پوستره‌هایی که پیام‌های نوشتاری و تصویری آن در یک راستا همدیگر را تکمیل می‌کنند بر روی مخاطب اثرگذاری بیشتری داشته و منظور اثر را بهتر و واضح‌تر به مخاطب می‌رساند. نشانه‌های تصویری به‌کار رفته در این پوسترها برگرفته از طبیعت‌اند که معنای متضاد حفاظت و تخریب را از طریق ترکیب تصاویر، به مخاطب انتقال می‌دهند (نواسلی و عابد دوست، ۱۳۹۷: ۱).



تصویر ۲. دوستی با محیط زیست. منبع: <http://dbmz.blogfa.com/tag>



معضلات زیست‌محیطی و بحرانی که کره زمین را تهدید می‌کند بر کسی پوشیده نیست اما آگاهی‌رسانی در این زمینه ضروری است. نجات و حفظ محیط‌زیست نیاز به عملکرد همگانی دارد و در این میان، یکی از مهم‌ترین وظایف بر دوش طراحان گرافیک است که با آثار خود این ضرورت را به مخاطبان خود گوشزد کنند. فرایند بازیافت علاوه بر اینکه در حفظ منابع مفید است؛ همچنین از تولید بی‌رویه پسماند و آلودگی محیط‌زیست نیز جلوگیری می‌نماید. پوستر، که در حقیقت یک رسانه است؛ نقشی مهم در آگاه‌سازی افراد دارد و می‌تواند راهکار مناسب را نیز در مقابله با مشکلات به مخاطب خود نشان دهد (معنوی‌راد و مددی، ۱۳۹۸: ۱).



تصویر ۳. حفاظت محیط زیست. منبع: <http://dbmz.blogfa.com/tag>

### نتیجه‌گیری

ساختار کلی قواعد مسئولیت مدنی ایران و انگلستان در ظاهر تفاوت‌هایی دارند. در حقوق انگلستان، بر خلاف حقوق ایران، عمد و بی‌احتیاطی دو موجب مستقل برای دعاوی مسئولیت مدنی محسوب می‌شوند. با این وجود، برخی اندیشمندان حقوق غرب نیز این دو مورد (عمد و بی‌احتیاطی) را در نظر گرفته‌اند. در مفهوم «مسئولیت‌های مبتنی بر تقصیر» تحت یک عنوان مسئولیت‌های بدون تقصیر هم تفاوت‌های بارزی بین حقوق ایران و انگلستان وجود نداشته و در هر دو نظام، بنا به مصالح اجتماعی، گاه اشخاص را بدون توجه به اینکه تقصیری مرتکب باشند یا خیر، مسئول خسارات ناشی از اعمالشان می‌شناسند. همین امور بر نزدیکی و شباهت دو نظام حقوقی صحه می‌گذارد و بیان می‌دارد که هرچند حقوق انگلستان نظامی کامن لایی محسوب می‌شود و حقوق ایران را باید از نظام‌های سیویل لایی دانست، اما مفهوم عدالت و جبران زیان‌های ناروا در تمامی سیستم‌های حقوقی یکی است و تمام نظام‌های موجود برای رسیدن به هدفی مشترک تلاش می‌کنند، حتی اگر در این طریق شیوه‌های یکسان و مشابهی را در پیش نگرفته باشند.

قانونگذار در مواردی مسئولیت بدون ارتکاب تقصیر را برای دولت پذیرفته است، که از آن جمله می‌توان به ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی اشاره کرد. برای تحقق مسئولیت مدنی دولت در این بخش اولاً لازم

است، بین زیان و امری که سبب وقوع آن شده است رابطه علییت و سببیت وجود داشته باشد. ثانیاً زیان وارده می‌باید اختصاصی (یعنی به شخصی خاص وارد شود و شامل عموم افراد نگردد) و غیرعادی (غیرمعمولی و غیر متعارف) باشد. وجود این دو صفت برای مسئولیت بدون تقصیر سبب می‌شود که افراد نتوانند در مورد اقدامات و عملیاتی که دولت برای تأمین منافع عمومی انجام می‌دهد، مطالبه غرامت کنند و از طرف دیگر حقوق حقه مردم نیز محفوظ و مصون بماند. مؤلفه پسینی این است که زیان وارده باید مستقیم و مسلم باشد. مسئولیت مدنی دولت به‌طور مطلق نمی‌باشد، بلکه این مسئولیت در مورد خساراتی است که ناشی از اعمال تصدی‌گری دولت است، قانونگذار ما نظریه عدم مسئولیت دولت در اقدامات حاکمیتی را پذیرفته است؛ چراکه در بحث تعارض منافع عمومی با منافع خصوصی افراد، غالباً منافع خصوصی افراد، به علت اهمیت منافع عمومی نادیده گرفته می‌شود.

اسناد چندجانبه است که انواع گوناگون تخریب محیط‌زیست را تخلف شناخته یا دولت‌ها را به اتخاذ تدابیر عملی برای جلوگیری از آلودگی هوا که قواعد عرفی و معیارهای ناظر بر مسئولیت و غرامت ناشی از تخریب محیط‌زیست را تدوین می‌کنند، ملزم کرده است، بیانگر آن است که وظیفه عدم تخریب محیط‌زیست تا حدی که بر حقوق بین‌المللی بشر نظیر حق حیات، سلامت و امنیت تأثیر می‌گذارد، مورد پذیرش عامه واقع شده است. با این وجود، حقوق بین‌الملل فاقد ابزار کافی برای جبران اعمال زیان‌آور برای محیط‌زیست می‌باشد؛ زیرا نتیجه‌بخش بودن قواعد محیط‌زیست به لحاظ ماهیت جهانی آن‌ها مستلزم همکاری بین‌المللی است.

در صورتی که هیچ‌گونه عمد یا بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی یا عدم رعایت نظامات، در بروز خسارات زیست‌محیطی نقش نداشته باشد و وقوع خسارت تنها ناشی از خطای محض باشد؛ در این حالت، بدیهی است که تنها موضوع مسئولیت مدنی کشور متخلف در میان خواهد بود که براساس قواعد عام حاکم بر مسئولیت مسقیم دولت‌ها، زیان زنده مسئولیت مدنی در جبران خسارت وارد را خواهد داشت. در جهت تقویت هرچه بیشتر حقوق محیط‌زیست پیشنهاد می‌شود مکانیزم‌های جامعی را در زمینه حفاظت از محیط‌زیست تهیه و به‌عنوان نمونه و مدل به کشورهای دیگر ارائه داد. این مکانیزم‌ها می‌تواند راجع به عموماً صدور مجوز و پروانه فعالیت، اطلاع‌رسانی، دستور دادگاه کیفری و حقوقی نسبت به اعاده محیط‌زیست به وضع سابق و جبران‌های مدنی با ماهیتی جبرانی مشابه منفعت فوت‌شده باشد. البته رد پایی از این مکانیزم‌ها (نظیر اطلاع‌رسانی) در برخی از اسناد بین‌المللی یاد شده نیز مشاهده گردیده است که گفته اخیر را تقویت می‌کند:

پوستره‌های هنرمندان معاصر در سطح بین‌المللی به‌عنوان یکی از سریع‌ترین عامل‌ها برای اطلاع‌رسانی و فرهنگ‌سازی می‌تواند مسئله محیط‌زیست را به‌خوبی به افراد جامعه معرفی نماید. این مسئله در نوع خود در حفظ چرخه حمایت از حقوق انسانی نیز مؤثر است.

## فهرست منابع

## کتاب‌ها

- دبیری، مینو. (۱۳۹۲). آلودگی محیط‌زیست: هوا - آب - خاک - صوت، تهران: نشر اتحاد.
- شوون، پل. (۱۳۶۹). آلودگی هوا. مترجم: کریم کوشا، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۶۴). جلد سوم، تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی.
- غیاث‌الدین، منصور. (۱۳۷۳). آلودگی هوا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- فهیمی، عزیزالله. (۱۳۹۳). اندیشه‌های حقوق محیط‌زیست، قم: انتشارات دانشگاه قم.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۷). الزام‌های خارج از قرارداد. چاپ هشتم، تهران: سازمان انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- مهدی، شمس‌الدین. (۱۳۶۹). نظام حکومت و مدیریت در اسلام، ترجمه: مرتضی آیت‌الله‌زاده، تهران: دانشگاه تهران.
- هیثم، محمد. (۲۰۰۴). المسئولیه عن تعویض اضرار تلوث البيئه فی القانون، دراسته مقارنه، جامعه العدن، کلیه الحقوق.

## مقالات

- امیر ارجمند، اردشیر. (۱۳۷۳). «حفاظت از محیط‌زیست و همبستگی بین‌المللی». مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۵، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ش ۷۴، ۴۱۴.
- رامتین، بهنام. (۱۳۸۰). «ضمانت اجراهای حقوق بین‌المللی در کنوانسیون تجارت‌گونه‌های در معرض انقراض گیاهی و جانوری». فصلنامه علمی سازمان حفاظت از محیط‌زیست، شماره ۳۶، صص ۶۵-۶۰.
- زمانی، قاسم. (۱۳۸۱). «توسعه مسئولیت بین‌المللی در پرتو حقوق بین‌الملل محیط‌زیست». مجله پژوهش‌های حقوقی (شهر دانش مدیر مسئول دکتر وحید اشتیاق)، ش ۱، ۵۶-۵۸.
- کیمیای نواسطی، پریچهر؛ عابد دوست، حسین. (۱۳۹۷). «تحلیل کارکرد نشانه‌های تصویری و نوشتاری در پوسترهای محیط‌زیست».
- مشهدی، علی. (۱۳۹۰). مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی هوا، فصلنامه اطلاع‌رسانی حقوقی، ش ۲۵، ۵۹.
- معنوی‌راد، میترا؛ مددی، شادی. (۱۳۹۸). «رهیافت پوسترهای ایرانی در حفاظت از محیط‌زیست (با تأکید بر موضوع بازیافت در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ ه.ش)». دومین همایش بین‌المللی هنرهای تجسمی و محیط‌زیست با رویکرد هنر».

## قوانین

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا

## منابع لاتین

- Harpwood, V. (۲۰۰۹) Modern Tort Law, Seventh edition, London, Routledge.Covendish.

Jane Stapleton, "Duty of Care Factors", py; Graham Stephenson, Sourcebook on Torts; p ۳۹۳.  
Schaffer, L., & Wieteki, A. (۲۰۰۹). *McGraw-Hill's Real Estate Law for Paralegals*. McGraw-Hill. p ۷.

Carper, K. L. (Ed.). (۲۰۰۰). *Forensic engineering*. CRC press. p ۱۳۰.

Act Not Prohibited Under International Law available at: [www.foe.uk/campaigns/atmosphere-and-transport/pubs/lagms.htm](http://www.foe.uk/campaigns/atmosphere-and-transport/pubs/lagms.htm)